

نشریات ترکیه

چند کتاب خطی مهم فارسی در گوشه‌ای از آسیای صغیر

در مجموعه زبان و ادبیات ترک، که از طرف دانشکده ادبیات استانبول منتشر میشود مقاله‌ای بقلم آقای احمد آتش مندرج است (۱) که از بعض کتابهای خطی مهم فارسی و ترکی و عربی موجود در کتابخانه‌های آنتالیا (در جنوب غربی آسیای صغیر و ساحل دریای مدیترانه) و حوالی آن بحث میکند. کتابهای مورد بحث مجموعاً ۱۸ جلد است؛ ۸ جلد ترکی، ۵ جلد فارسی و ۵ جلد عربی. اینک مابقی و عده‌ای که در شماره گذشته داده‌ایم قسمت کتابهای فارسی را از مقاله مزبور (ص ۱۸۰-۱۸۶) اقتباس و باندک تصرفی در اینجا نقل میکنیم:

۱ - «رسائل العشاق و وسائل المشتاق» تألیف ابوالمعالی سعود بن احمد السیفی این نسخه در کتابخانه خلق المالی (۲) (در مغرب آنتالیا) است و دارای شماره ۳۰۰۵ میباشد. نسخه ایست مشتمل بر ۱۹۳ برك با ابعاد $۱۹/۷ \times ۱۴/۶$ سانتیمتر و هر صفحه آن عبارت از ۱۴ سطر بخط نسخ سلجوقی و با حروف درشت.

مستند - تاریخ استنساخ و نام خود را چنین مینویسد: «تم الكتاب بمون الله
۰۰۰ سلخ شهر محرم سنه ۶۸۵ علی یدی ۰۰۰ محمود بن - (؟) الملقب بالعمید السمرقندی
- (؟) ۰۰۰»

(۱) - Ahmed Ates, «Burdur-Antalya ve havalisi kütüphanelerinde bulunan Türkçe, Arapça ve Farsça bazı mühim eserler» (Türk Dili ve Edebiyatı Dergisi, Ist., 1918, II, 171-191)

(۲) - Elmalı

اول کتاب : «سپاس و ستایش خدای را جل و علا که آفریدگار جهان و جهانیانست ... اما بهد چنین گوید ابوالمعالی مسعود بن احمد السیفی ... چون ایزد تمالی فضل و کرم خویش مرا طبع شعر ارزانی داشت میل من بهیچ نوع از انواع اشعار زیادت از آن نبود که بغزل و از انشاء و انشاد من بیشتر غزل یافته شود که در غزل اوصاف وصال و فراق و جنگ و صلح و وفا و جفا و امثال و اقرا آن بسیار آید ، هر گاه که عشق نامه از جهت خویش یا از بهر دوستی که اقتراح کردی انشا کردمی موافق آمدی که طبع و خاطر من باین نوع گستاخ شده بود و الفت گرفته ، پس چون حال چنین بود خواستم که درین معانی رسائل (۱) انشا کنم و آنرا رسائل العشاق و وسائل المشتاق نام نهادم ... چون از فهرست نامه برداشته شدم خواستم که صدر کتاب مزین و مشرف گردانم بصدری که جهان مروت مزین است ... و بدین صفت امیر عمید ضیاءالدین بهاء اسلام و المسلمین جمال الدوله شمس الملک اصیل خراسان فخر المعالی محمد بن محمود بن ذکر باریا یافتم جوانی که فر جوانان دارد و هم نباهت پیران ...»

آخر کتاب : «... اما واجب دانستم باز نمودن که رسایل جز بمعشوق هم توان نبشت آنکس را قدرت طبع و قوت خاطر دارد والله اعلم بالصواب».

این کتاب که در هیچ جا بنسخه دیگری از آن بر نخوردم چنانکه دیدیم تالیف مسعود بن احمد السیفی است که بنابتند کره های فارسی (عوفی ، باب الالباب ، نشر براون ، ج ۲ ، ص ۱۵۹ ؛ دولتشاه ، تذکره الشعراء ، نشر براون ، ص ۱۰۸ ؛ رضاقلی خان ، مجمع الفصحاء ، ج ۱ ، ص ۲۵۲) از شعرای دوره سلجوقیان بوده است . عوفی ویرا در میان شعرای دوره سلاجقه خراسان ذکر میکند و دولتشاه از شاگردان فرید کاتب می شمارد . صاحب مجمع الفصحاء هم که در این باب محققا از عوفی استفاده کرده است ، معلوم نیست بچه علتی او را از شعرای تکش خوارزمشاه (۵۶۸ - ۵۹۶) میدانند (۲) . بهر حال از تمام این اقوال چنین بر می

۱ - کلمه «رسائل» در اصل نسخه که دو صفحه از اول آن گراور و بمقاله ضمیمه شده است «رسایلی» است (مترجم) .

۲ - مخفی نماید که پیش از صاحب مجمع الفصحاء دولتشاه این شاعر را از شعرای تکش خوارزمشاه دانسته و صاحب مجمع الفصحاء هم در این خصوص بی شبهه از وی پیروی کرده است . دولتشاه گوید : «اما سیفی نیشابوری شاعر تکش خوارزمشاه است که لقب او علاء الدین بوده ...» (تذکره دولتشاه ، نشر براون ، ص ۱۰۸) (مترجم).

آید که وی از شرای نیمه دوم قرن ششم هجری بوده است .
 ناگفته نماند که در میان تذکره‌های مزبور فقط عوفی است که نام این شاعر
 را بطور کامل ذکر کرده است باین شکل : « الحکیم علی بن احمد السیفی » ، و
 حال آنکه در این نسخه نام وی مسعود است نه علی . ولی چون میدانیم که تذکره
 نویسان ایرانی در قید اسامی شعرا اغلب اشتباه می‌کنند بنا براین فوری میتوانیم
 حکم کنیم که اشتباه از عوفی است و نام شاعر مسعود بوده نه علی .

اما کتاب « رسائل العشاق » ، گرچه عوفی اسمی از آن نبرده ولی اشارتسی
 کرده باینکه عبارت از یکصد نامه عاشقانه است و آنرا بسیار مدح کرده و ستوده
 است (۱) . و پس از وی فقط صاحب مجمع الفصحی است که بحثی از این کتاب می
 کند . سیفی نیشابوری ، چنانکه در مقدمه کتاب خود توضیح میدهد اغلب اشعار
 خود را بشکل غزل میگفته و در نوشتن نامه‌های عشقی زبردست بوده است ؛ بانوشتن
 یکصد نامه عاشقانه این اثر را بوجود آورده و باین امید ... فخر المعالی محمود بن
 زکریا تقدیم کرده است . مقدمه کتاب که در حدود ده برگ و بیشتر آن راجع به
 فهرست کتاب است باین فصل دو برگگی در بیان دوستی و انواع آن خاتمه می
 یابد و سپس نامه‌ها شروع میشود .

۴ - « مختصر مکارم الاخلاق »

این نسخه در مورد دور (۲) (در شمال غربی آنتالیا) است و در کتابخانه وقف
 و خلق اوی (۳) ، تحت شماره ۶۵۳ مقید میباشد . نسخه ایست دارای ۱۵۰ برگ

۱ ... لباب الالباب ، ج ۲ ، ص ۱۵۹ : « و تالیفی ساخته است بصدعشق نامه که عاشق به
 معشوق نویسد در معانی و احوال که میان عاشق و معشوق افتد ، در غایت لطف آمده است
 و مقبول فضلا و پسندیده اما ثل است ... » .

(۲) - Burdur

(۳) - « Vakif ve Halkevi »

بابعاد $۱۲/۷ \times ۱۸/۲$ (۸×۱۲) سانتیمتر که هر صفحه‌ای از آن ۱۵ سطر است و بخط نسخ قدیم ایران نوشته شده و تاریخ اتمام آن قید نشده و متعلق به قرن هفتم هجری است .

آغاز کتاب : «بسم الله الرحمن الرحيم این مجموع طرفی از طرف لفظ و معنی که خواجه امام استاذ رضی الدین منشی الکلام ابو جعفر النیسابوری طاب اسمه و در رساله در کتابی که نام آن مکارم اخلاق کرده است در سلك بیان آورده است و افتتاح این تسوید در سلخ ذی القعدة سنه ۶۰۱ اثبات افتاد ... از مدتی مدید ... باز خاطرنگران بود و ضمیر ملتفت بدان که در مجامع سیر تالیفی کرده شود و روز کار بفرصت آن مسامحت نمی کرد تا شبی که فرصت خدمت مجلس عالی مجیر الدین نجم بن محمد الدهستانی دست داذه بود ... با تمام اشارت فرمود ... و اگر چند نیز پارسی شیوه معهود ... این داعی نبوده است و لکن ایادی و صنایع ولی نعمت این اقتضا کند که بهر طریق که ممکن گردد در قضاء حق این ... نموده آید ...»

مانه بنسخه دیگری از این اثر برخورداریم و نه مولف آنرا میتوانیم تشییت کنیم و نه در باره اصل آن که بنا بمقدمه مزبور در فوق تالیف رضی الدین ابو جعفر النیسابوری است اطلاعاتی توانستیم بدست بیاوریم . گرچه رضی الدین ابونصر الحسن بن الفضل الطبرسی کتابی بزبان عربی دارد بنام «مکارم الاخلاق» که چند دفعه هم بزبان فارسی ترجمه شده است (رجوع شود به

C. A. Storey, «Persian Literature: A Biobibliographical survey», Section II, Fasciculus I, London, (1935, s. 176).
ولی نام و نسبت این دو مولف باهم دیگر اختلاف دارد .

اما بنا بر آنچه کتاب چلبی گوید (کشف الظنون ، نشرش . یالتقیا و رفعت بیلگه ، استانبول ، ۱۹۴۳ ، ج ۲ ، ص ۱۸۱۱) در کتابی بنام «تعلیم المتعلم» اثری باسم «مکارم الاخلاق» بشخصی مسمی بر رضی الدین النیسابوری نسبت داده شده است که باید مقصود از آن همان اصل کتاب مورد بحث ما باشد .

۴ «ابتدای نامه» تالیف سلطان ولد

این نسخه نیز در بور دوردر کتابخانه «وقف و خلق اوی» است و تحت شماره ۳۶۵

مقید میباشد. نسخه ایست مشتمل بر ۲۲۰ برگ بابعاد ۱۶/۵×۲۴/۲×۱۳/۲ (سانتیمتر).

در این نسخه اصلاحات زیادی بعمل آمده است چنانکه گاهگاه علاوه‌هایی دیده میشود و گاهی هم يك صفحه بر متن افزوده‌اند و در بسیاری از جاها علاماتی در حاشیه کتاب گذارده و خواسته‌اند تغییری در ترتیب بیتها بدهند. آخرین فرم کتاب از حیث کاغذ جدیدتر بنظر می‌آید و در آخر نسخه هم تاریخ اختتام قید نشده است اول کتاب: «سبب انشاء مثنوی و لدر بیان اسرار احدی آن بود که...».

سلطان ولد فرزند مولانا و ابتدانا، او بقدری معروف است که حاجت بهیچگونه شرح و بیان نیست و نسخه‌های ابتدانا هم نیز که اصلاخیلی فراوان است در مقاله ذیل گردآوری شده است.

H. Ritter, philologica IX: Maulânâ Galâladdin Rûmi und sein Kreis, Der Islam, XXVI, (1942), s. 232-233.

ولی این نسخه، از او صافی که برای آن شمردیم، معلوم میشود مسوده ای بوده است و بنا بر این خیلی اهمیت دارد.

۴- «لمحة النظر»

این نسخه نیز مانند دو نسخه سابق در مورد در کتابخانه وقف و خلق اوی، است و تحت شماره ۱۲۳۷ مقید میباشد. علوم انسانی

عده اوراق آن ۴۵ است بابعاد ۱۶×۲۳ (۱۶/۷×۱۲) سانتیمتر. کتابتش نسخی است منتظم و ۱۷ سطر. اوایل فسلها با مرکب سرخ نوشته شده و قید استنساخ آن چنین است: «تم الكتاب... علی يد... احمد بن محمد الموالی الاحدی الکاتب فی اوخر ربیع الاخر سنه ۱۰۷۱».

آغاز کتاب: «ملهم خطا و صواب و خطیب خطاب فصول و ابواب در ضمیر خراب... این ضعیف نجیب را متقاضیات درون بکماشت تا بیتی چند از نظم در میدان غربت بزبان آورد... همه بر اسمای حسنیای ملای امیر فقیر نهاد... نجم المله و الدین...»

این کتاب امثال و حکم عربی است که با ایراد حکایات تشریح و توضیح شده است؛

و مانده مؤلف آنرا توانستیم تثبیت کنیم و نه نسخه ای دیگر از آنرا. و همچنین هویت امیر فقیر نهاد نجم الدین که کتاب بدو تقدیم گردیده است برای ما معلوم نشد. گرچه يك امیر قارا طمای (۱) سراغ داریم که باین وصف ذکر شده و در کتابی بنام «ترجمه مدح فقر و ذم دنیا» که بوی تقدیم شده است به «امیر فقیر سیرت» موصوف گردیده (برای این کتاب رجوع شود به

Ahmed Ates, «Hier VI-VIII (XII-XVI (۲) asirlarda Anadolu-
da farsca eserler» Türkiyat Mecmuası, c. VII-VIII, cüz II
Istanbul, 1945, s. 123)

ولی نام یالقب او جلال الدین است نه نجم الدین. با اینحال گمان میکنم که این اثر در آناطولی تالیف شده باشد.

۵- «بساتین الانس» تالیف محمد صدر علاء احمد حسن دبیر عبدوسی
این نسخه در آنطالیا است و در کتابخانه «تکلو او غای» (۳) شماره ۸۲۱
مقید می باشد.

نسخه ایست دارای ۱۵۰ برگ بابعاد $۲۰ \times ۱۳/۵$ (۷ × ۱۴/۵) سانتیمتر که
هر صفحه آن ۱۴ سطر است بخط نستعلیق و اوایل فصلها با مرکب سرخ نوشته شده
است. اول و آخر آن ناقص است و در قرن دهم هجری استنساخ گردیده
است.

اول کتاب: «عظمت و کبریای او چون دیده نرکس از کسوت نور عاری گشته ...» .
در باره عبدوسی مؤلف آن از هیچیک از تذکره ها اطلاعی بدست نیامد
بنابر آنچه خود در مقدمه (برک ۲۳ b) گوید این کتاب را بسال ۷۲۶ تألیف کرده
و در آن موقع ۲۶ ساله بوده است؛ بنابراین باید در سال ۷۰۰ تولد یافته باشد .
از اینکه بوی دبیر، می گفته اند معلوم میشود که منشی بوده است. در حقیقت این

(۱) - Karatay

(۲) - بجای XVI باید XIV باشد (مترجم).

(۳) - Tekelioglu

کتاب باسبک متکلفانه خود بخوبی نشان میدهد که مؤلف آن چه شغلی داشته است. از يك جای کتاب معلوم میشود که وی اصلاً از اهل دهلی است (۱). وقتی که غیاث الدین طوغلوق (Tugluk) مؤسس سلسله ترك نژاد طوغلوق دهلی بس از تسخیر لا کناوتی (Laknavti) بطرف تیرهوت (Tirhut) هجوم کرد در خدمت وی بود؛ چون بدلهلی بر میگردد ناخوش میشود و در آن اثنا یکی از دوستان وی حکایتی را که اصل این کتاب بوده و به سبک ساده‌ای نوشته شده بوده است برای او می‌آورد؛ و این واقعه بتاريخ ۷۲۵ و ۷۲۶ هجری افتاده است (رجوع شود به

Y. H. Bayur, « Hindistan Tarihi », c. I, s. 322 v.d.; Türk Tarih Kurumu yayınlarından, seri XIII, c.4).

اما کتاب «بساتین الانس» که فقط يك نسخه خطی دیگر از آن سراغ داریم (رجوع شود به

C. Rieu, « Catalogue of the Persian Mss. in the British Museum », c. II, s. 752 v.d., No. Add. 7717)

مؤلف آن همان کتاب «حکایت پادشاه کشور گیر» مترجم از زبان هندی است (۲) که از نوبه سبک متکلفانه‌ای نوشته شده است. حکایت در این نسخه از برك ۲۹ شروع میکند: پادشاه شهر آچین (Ācīn) (Rieu: Ujjain) از زاهدی می‌خواهد که برای وی حکایتی نقل کند. در داخل این حکایت حکایات دیگری هم هست... خلاصه آنکه این اثر تقریباً از پانزده حکایت متداخل بوجود آمده است؛ ولی اینها از قبیل حکایات کلیله و دمنه یا سند بادنامه نیست؛ مثلثائی است که مواد علمی در آنها در درجه دوم مانده و حتی گاهی اصلاً مواد علمی دیده نمیشود. در

(۱) - « خاک جان پرور حضرت معظمه دهلی که مواد و منشأ اصلی من است ... » (برك ۸۱۲)

(۲) - « ... بتفقد این ضعیف آمد و نسخه حکایت پادشاه کشور گیر که ترجمه هندیست آورد ... » (برك ۸۱۸)

اغلب جاها بوقایع خارق العاده ای بر میخوریم، از قبیل تغییر شکل مانند بلبل شدن عاشق و گل شدن معشوق و تغییر جسد مانند بیرون رفتن روح از کالبد خود و حلول آن در کالبد دیگری از طوطی و غیره .

این نسخه با اینکه از اول و آخر ناقص است بسیار مهم است؛ زیرا علاوه بر اینکه نسخه نانی اثر بسیار نادری است، وجود آن در آنتالیا نشان میدهد که طرق انتشار مثل‌های هندی چقدر متنوع میتواند باشد و چرا در جاهائی که هیچ امید نمی‌رود میتوان بعضی موضوعها (motif) تصادف کرد.

چند اندرز

گر بخواهی که در کشاکش دهر از مقاسات غم خرف نشری
خط مشیی برای خود بگزین که از آن هیچ منحرف نشوی

دیده ای در مسیل سنک بزرک که نمی جنبد ازتها جم سیل
همچو سنک بزرک باش و ملغز چون قتن را زجا بجنبد خیل

شوشگاه علوم و معارف و مطالعات فرهنگی

مرد بساهیب و وقار شدن نیست مستلزم تر شروئی
کسه همی بایدت مهابت نفر و انگهی اعتدال و خوشخوئی

هرکه بیند جهان بدیده مهر همه خلق را نکو بیند
نشود بیگمان عدوی کسی ور کسی را بخود عدو بیند

بسهمه خلق مهربانی کن کسه همه خلق بنده تو شوند
دلبران دربر تو دل بازند سروران سرفکنده تو شوند

ادیب طوسی